info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۳۵
یکشنبه / ۲۳ شهریور / ۱۴۰۴
۲۱ / ربیع الاول / ۱۴۴۷
14 / September / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

دیدگاه

اسرائیل به کجا می‌رود؟!

هر چند در حال حاضر نشانه‌ای جدی دال بر چنین انفجار منطقه‌ای علیه اسرائیل در آینده نزدیک وجود ندارد، اما بذرهای آن کاشته شده و این اتفاق دیر یا زود می‌افتد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، آنچه اسرائیل در منطقه انجام می‌دهد از نسل‌کشی گسترده در غزه تا حملات مستمر به لبنان و سوریه و جنگ علیه ایران و حمله اخیر به قطر در وهله اول یک قدرت‌نمایی آشکار به نظر می‌رسد که کسی جلودارش نیست و با حمایت آمریکا دست بالا را در منطقه پیدا کرده است؛ به هر جا بخواهد حمله می‌کند و هر کسی را بخواهد هر کجا باشد ترور می‌کند.

با این حال، رویکرد کنونی اسرائیل رفتار یک بازیگر عاقل و مسئولیت‌پذیر نیست؛ بلکه بیشتر شبیه رفتار گنده لات و قلدر دیوانه‌ای است که تعادل خود را از دست داده و دست به هر کاری می‌زند و پس از بر باد رفتن اعتبار و حیثیتش در جهان، خود را دیگر رها از هر گونه قید و بند و هنجاری می‌داند.

در کل به همان اندازه که نداشتن قدرت به ویژه در بعد نظامی برای یک کشور خطرناک است، اعمال افسارگسیخته آن از جذب یک طرف برخوردار از مدرن‌ترین تکنولوژی نظامی نیز برای خود آن خطرناک است.

از این رو، نه از خاستگاه شعاربردازی و خوش‌بینی، بلکه از حیث راهبردی و نگاهی تاریخی و آینده‌نگر و با توجه به شرایط خاص اسرائیل می‌توان گفت که رفتار امروزی آن در منطقه و به ویژه حمله به میانجیگر قطری پس از میزبانی از مقاماتش در طول این دو سال در طول مذاکرات فاقد هر نوع عقلانیت و آینده‌نگری راهبردی است.

حالا نه تنها عملیات شکست خورده و دستاوردی راهبردی نداشته، بلکه نگرانی‌ها در حوزه خلیج فارس نسبت به سیاست‌های اسرائیل را بیش از زمانی افزایش داده و موج محکومیت جهانی علیه اسرائیل به راه انداخته است. این محکومیت‌ها تاکنون برگردان عملی جدی نداشته، اما یقینا موقعیت آن در جهان را متزلزل‌تر خواهد کرد و پیشرانی برای موجی جهانی است که از حدود دو سال پیش علیه‌اش به راه افتاده است و اندوخته‌های استراتژیک آن در دنیا یکی پس از دیگری از بین می‌رود؛ تا جایی که اکنون فارغ از دیگر نشانه‌ها، بلکه بنا به گفته سه نخست‌وزیر قبلی آن (ایهود باراک، ایهود اولمرت و نفتالی بنت)، به یک «کشور منفور و منزوی» در دنیا تبدیل و در مقابل بیش از هر زمانی صدای ضرورت تشکیل کشور فلسطین شنیده می‌شود.

اما در سطح منطقه، اسرائیل با تداوم ماجراجوی نژادی در غزه و این حملات منهورانه در سراسر منطقه از یک سو فعلا هر نوع فرصتی برای عادی‌سازی روابط و ادغام در منطقه را از بین می‌برد و تداوم روابطش با کشورهایی هم که به «پیمان ابراهیم» پیوسته‌اند با چالش و تهدید جدی مواجه است. از دیگر سو، چنان بذر عداوت با خود را در کل منطقه گسترش داده و تعمیق کرده است که می‌توان گفت همه منطقه را ضد خود کرده و می‌رود که در یک جبهه قرار دهد.

این وضعیت به بشکه باروتی می‌ماند که مترصد فرصتی برای انفجار است و هر چند در حال حاضر نشانه‌ای جدی دال بر چنین انفجار منطقه‌ای علیه اسرائیل در آینده نزدیک وجود ندارد، اما بذرهای آن کاشته شده و این اتفاق دیر یا زود می‌افتد. از این رو، اگر حمله هفتم اکتبر به قول خود اسرائیلی‌ها بزرگترین ضربه تاریخی و امنیتی به اسرائیل از زمان تاسیسش بود، اما واکنش بی‌حساب و کتاب و نامتعادل به آن نیز علی رغم دستاوردهای مهم در سطح منطقه عملا پیامدهای این ضربه را در ابعادی دیگر و جهانی تشدید کرد و در واقع خود همین واکنش نامعقول اسرائیل در مقیاسی راهبردی معادل چندین هفتم اکتبر است.

بله، اکنون در منطقه نه کشوری، نه طرفی و نه اتلاف یا اتحادی وجود دارد که بتواند اسرائیل را متوقف سازد؛ اما تجربه تاریخ و منطق سیاست نشان می‌دهد که هیچ وضعیتی تا ابد پایدار نخواهد ماند. در نهایت همین قلدری افسارگسیخته اسرائیل در منطقه به زیان خود او تمام خواهد شد و روزی بهای سنگین آن را خواهد پرداخت. این، سنت تغییرناپذیر هستی، تاریخ و سیاست است. خلاصه آن که زبان‌دیده راهبردی قدرت‌نمایی امروز اسرائیل در منطقه، خود آن و موجودیتش در آینده است؛ و نتانیاهو به همراه اولترا راست‌های اسرائیل، آن را به سوی سرنوشتی نامعلوم سوق می‌دهند.

اسرائیل چه بخواهد چه نخواهد در خاورمیانه زندگی می‌کند و واین شرایط نیز همیشگی نخواهد بود. طرفی که می‌خواهد در این محیط تأمین و در حلقه‌ای از کشورهای عربی و اسلامی بزرگ به حیات خود ادامه دهد، ناگزیر دستکم باید نیم نگاهی هم به آینده داشته باشد و این احتمال را در نظر بگیرد که شرایط روزی دستخوش دگرگونی شود.

به هر روی، اسرائیل نه در بستر طبیعی شکل گرفته و نه امروز در منطقه وضعیتی طبیعی دارد. بنابراین بی‌تعادلی و ماجراجویی کنونی آن نه تنها امنیت‌آفرین نیست، بلکه افق آینده‌اش را بیش از پیش تأمین می‌کند و بر خلاف دیگر کشورها که وضعیت تاریخی طبیعی دارند، ناگزیر است هر هزینه سنگینی را در آینده از سرمایه وجودی بپردازد، نه از آمدن و رفتن یک نظام و تغییر رژیم.

صابر گل عنبری

خواندنی — امروز با حافظ

تا دل هرزه‌گرد من، رفت به چین زلف او
زان سفر دراز خود، عزم وطن نمی‌کند
پیش کمان ابرویش، لابه همی کنم ولی
گوش کشیده است از آن، گوش به من نمی‌کند

شنیدنی — شدی مشهور شهر آنسان که همچون سوره یوسف همی‌خوانند طفلان قصه حسنت به مکتب‌ها

جامی

خواندنی — اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۲۳	۰۵:۴۸	۱۲:۰۱	۱۸:۱۳	۱۸:۳۱

برگه — زندگی مثل دوچرخه سواری است. برای حفظ تعادل، باید حرکت کنی...

آلبرت اینشتین

گزارش روز

استانبول یا قاهره؟ هدف بعدی کجاست؟

حمله به دوحه اگرچه موجبات بهت شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس را فراهم آورده لیکن تحلیلگران متعلقه‌ای با رفتار بر سیاست‌های مخرب صهیونیست‌ها در منطقه در ماه‌های اخیر و پشت پا زدن به تمام موازین بین‌المللی و نقض فاحش حقوق بشر در باریکه غزه پیش‌تر نسبت به آن هشدار داده بودند. حملات جنگ‌تمدن‌های صهیونیستی به دولت دست‌نشانده جولانی در سوریه به وضوح بیانگر تمایلات زیاده‌خواهانه راست‌گرایان حاکم بر تل‌آویو است؛ امری که قطر هم دریافت و دیر یا زود دامان دیگر کشورهای عربی - اسلامی را نیز خواهد گرفت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، حمله موشکی جنگ‌تمدن‌های صهیونیستی به دفتر سازمان حماس در دوحه را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ روابط اعراب و رژیم صهیونیستی قلمداد کرد. حملاتی تهاجمی و گستاخانه که ریشه در سیاست جاطلبانه و ماجراجویانه نتانیاهو در پسا ۷ اکتبر ۲۰۲۳ دارد. نخست‌وزیر رژیم اشغالگر، فردای ۷ اکتبر از ضرورت تحول در موازنه قوا و دگرگونی نظم در خاورمیانه سخن به میان آورد؛ اظهاراتی که در عرصه عملیاتی زمینه عبور صهیونیست‌ها از ساحت دستیابی به سازش با کشورهای پیرامونی ذیل پیمان ابراهام با توسل به سلاح و مشت آهنین جهت تحمیل صلح مدنظرشان را فراهم آورد؛ دکترینی که در آن، تل‌آویو با مبدل شدن به ژاندارم منطقه، در پی تحمیل مصالح خویش به تمام کشورهای عربی - اسلامی گام برداشته است بدون تردید قدرت‌گیری نومحافظه‌کاران در کاخ سفید و تمایلات انجیلی - صهیونیستی آنان، نقشی بسزا در سیاست‌های جنگ‌افروزانه ارتش صهیونیستی ایفا کرده است.

انتقال مسافرت آمریکا به بیت‌المقدس و پذیرش حاکمیت صهیونیست‌ها بر جولان اشغالی در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ و رد ایده ۲ دولتی، تاکید بر تعلق کرانه باختری (آنچه آمریکایی‌ها یهودا و سامره می‌نامند) به سرزمین اشغالی و نهایتا یافشاری بر گزاره کوچ اجباری ساکنان غزه و تبدیل این باریکه به ریویرای منفذر ترامپ در ماه‌های ابتدایی دوره دوم ریاست جمهوری‌اش، آنچنان نتانیاهو را به شعف واداشته که دست خود را برای اتخاذ هر گونه سیاستی در منطقه باز می‌بیند.

حمله به دوحه اگرچه موجبات بهت شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس را فراهم آورده لیکن تحلیلگران متعلقه‌ای با رفتار بر سیاست‌های مخرب صهیونیست‌ها در منطقه در ماه‌های اخیر و پشت پا زدن به تمام موازین بین‌المللی و نقض فاحش حقوق بشر در باریکه غزه پیش‌تر نسبت به آن هشدار داده بودند. حملات جنگ‌تمدن‌های صهیونیستی به دولت دست‌نشانده جولانی در سوریه به وضوح بیانگر تمایلات زیاده‌خواهانه راست‌گرایان حاکم بر تل‌آویو است؛ امری که قطر هم دریافت و دیر یا زود دامان دیگر کشورهای عربی - اسلامی را نیز خواهد گرفت.

با وجود اظهارات رهبران کاخ سفید مبنی بر بی‌اطلاعی آنان از برنامه تل‌آویو برای حمله به دفتر رهبری حماس و تقبیح ظاهری اقدام اسرائیل و وعده ترامپ مبنی بر عدم تکرار چنین حادثه‌ای، اسرار برخی محافل آمریکایی درباره عدم آگاهی واشنگتن از چنین واقعه خطیری، بیشتر به نوعی تغافل و خوابیدگی عمدی مشابهت دارد تا بیان واقعیت. کما اینکه شماری از ناظران و تحلیلگران صهیونیست از توافق پشت پرده ترامپ - نتانیاهو برای عملیاتی‌سازی برنامه ترور رهبران حماس در دوحه سخن به میان آورده‌اند.

***رمزگشایی از اهداف حمله به دفتر حماس**

حمله به دوحه مهم‌ترین رویداد در متاسبات رژیم صهیونیستی با پاشاهای محافظه‌کار عرب در طول ۲ دهه اخیر و پس از پیمان وادی عربه در سال ۱۹۹۴ محسوب می‌شود. تلاش ناکام صهیونیست‌ها برای ترور خالد مشعل در سپتامبر ۱۹۹۷ و تبعات سیاسی وخیم آن برای تل‌آویو و ارسال فوری بازنجر به امان جهت درمان مشعل و ممانعت از خشم دولت‌های عرب، بی‌گمان موجب لحاظ کردن ملاحظاتی فوق‌العاده از سوی دولت صهیونیستی جهت اتخاذ تصمیم حمله به دوحه شده است. ملاحظاتی که بخش اعظم آن ریشه در دکترین نظامی متحول شده تل‌آویو در پسا ۷ اکتبر داشته و بخش مهم دیگر آن به سیاست اتفعال و ضعف صادره از سوی رژیم‌های مرتجع عرب در قبال سیاست‌های تهاجمی ارتش صهیونیستی در باریکه غزه کرانه باختری و حملات بی‌پروا به دولت همسوی دوحه در دمشق بازمی‌گردد.

بر مبنای یک توافق ناگوشته میان قطر، رژیم صهیونیستی و ایالات‌متحده و به منظور کاهش نفوذ تهران بر جنبش حماس، طرفین سال‌ها پیش موافقت کردند حماس مبادرت به تاسیس دفتری در دوحه کند به زعم مقامات کاخ‌سفید، روابط حسنه دوحه با رژیم و فاصله‌گیری این جنبش دیدگاه‌های حماس و فاصله‌گیری این جنبش از تهران و نهایتا هموار ساختن مسیر سازش میان فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها یافامی گردد؛ توافقی که در حمله اخیر به دوحه اعتبارش به سر آمد.

ناظران متعلقه درباره چرایی پذیرش چنین ریسک بزرگی از سوی صهیونیست‌ها که می‌تواند به تخریب فزاینده متاسبات دولت‌های عرب با دولت صهیونیستی منتهی شود، ادله ذیل را برشمرده‌اند.

الف- معافیت از آتش‌بس در غزه و پیشبرد سیاست اشغال این باریکه؛ از حکومت آل‌ثانی به عنوان مهم‌ترین عنصر میانجی در روابط حماس با دولت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در خلال ماه‌های اخیر نام برده می‌شود. دولت قطر کرارا کوشید با جرح و تعدیل مواضع حماس و صهیونیست‌ها، زمینه نزدیکی دیدگاه‌های طرفین برای برقراری آتش‌بس را فراهم آورد؛ با این حال بی‌میلی بالذ راست‌گرای حاکم بر سرزمین اشغالی و پافشاری بر اشغال کامل این باریکه، مانع از تحقق صلح شد. حمله مادمانه به دفتر حماس در دوحه به منزله کشیدن خط بطلانی بر روند مذاکرات و امکان برقراری آتش‌بس در این منطقه ارزیابی می‌شود.

ب- ترور رهبران حماس جهت فروپاشی چنبش مقاومت ارتش صهیونیستی به موازات جنایات بی‌پرده‌اش در غزه و تخریب متازل فلسطینی‌ها؛ همچنین ترور رهبران و فرماندهان نظامی حماس در این باریکه سیاست حذف رهبران حماس در خارج از غزه را در دستور کار خود قرار داده تا با حذف عناصر کلیدی مقاومت فلسطینی، زمینه استیصال، درماندگی در تصمیم‌گیری و نهایتا فروپاشی حماس را رقم زند.

پ- خلق بحران چندجهته: تداوم حکمرانی نتانیاهو در سرزمین اشغالی؛ اعتراضات علیه نخست‌وزیر اسرائیل در طول هفته‌های اخیر به اوج رسیده است. شعارهوسی‌ها و مخالفان ارشد نتانیاهو نظیر آویگدور لیبرمن، یائیر لاپید و بنی گانتس تداوم حضور وی بر اریکه قدرت را مترادف با زوال و تضعیف روزمره حکومت صهیونیستی قلمداد کرده‌اند. از همین رو قابل تصور است نتانیاهو با صدور دستور حمله به قطر، ضمن بحران‌سازی جدید در منطقه و ترسیم فضایی امنیتی در سرزمین اشغالی (جهت توجیه حضورش در قدرت)، بر آن بوده با ترور رهبران ارشد حماس، آن را به عنوان موفقیتی کمپایلد به ساکنان سرزمین اشغالی عرضه کند.

ت- عرضه رژیم صهیونیستی به عنوان ژاندارم منطقه: آنچنان که ابتدای نوشتار به آن اشاره شد، رژیم صهیونیستی دکترین نظامی تهاجمی جدیدی را سرلوحه کار خود قرار داده است. بر مبنای دکترین یادشده صهیونیست‌ها مجازند هر زمان و مکانی، بدون لذن بین‌المللی و رعایت موازین حقوقی، مبادرت به ترور، حمله و بمب‌گذاری علیه دولت‌ها و گروه‌های مخالف خود در سراسر منطقه کنند. نتانیاهو کاتس و یائیرلاپید پس از حمله به قطر هشدار دادهاند زیرپس هیچ تحرک ضدصهیونیستی را در سراسر منطقه برنخواهند تافت و در قامت پلیس منطقه اقدام نظامی لازم را در دستور کار قرار خواهند داد.

*** پیامدهای انفعال و محکومیت انفلقی حمله صهیونیست‌ها به دوحه**

از شیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی و دولت تحت امرش به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکای امنیتی- تجاری ایالات‌متحده در جهان نام برده می‌شود. در سفر اخیر ترامپ به منطقه- قرارداد ۱۲۰۰ میلیارد دلاری جهت سرمایه‌گذاری قطر در آمریکا و تبدیل لین امریشین به یکی از شرکای کلیدی اقتصادی کاخ‌سفید بسته شد. هدیه چند صد میلیون دلاری شیخ تمیم به ترامپ (هواپیمای بوئینگ ۴۷۴ تشریفاتی) لنز دوربین تمام رسانه‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده بود. با این اوصاف و به‌رغم استقرار بزرگ‌ترین پایگاه هوایی آمریکا در منطقه در دوحه (پایگاه العدید)، وقتی سخن از اسرائیل و تعهد آهنین کاخ‌سفید به صهیونیست‌ها در میان باشد، هیچ صمونیتی را نمی‌توان برای قطر و دیگر شیخ‌نشین‌های متعلقه متصور شد. در مقطع کنونی آسیاست می‌تواند در دستور کار دولت‌مردان قطری قرار گیرد. اتخاذ سیاستی مقتدرانه و عینی در برابر دشمن صهیونیست با اتکا به محکومیت لفظی این حادثه که هر یک تبعات صحت‌بخش قطر را خواهد داشت. قابل کتمان نیست که شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس در کنار مصر، اردن، مراکش و ترکیه از دیرباز در زمره متحدان کلیدی آمریکا در منطقه قرار داشته و به دلیل همجواری با سرزمین اشغالی استقرار پایگاه‌های کلیدی آمریکا در کشورهای یادشده، در انحصار داشتن بخش اعظم منابع نفتی و گازی جهان و در اختیار داشتن گاوگاه‌ها و متاطق سوق‌الجیشی اقتصاد و امنیت بین‌المللی نظیر کانال سوئز، تنگه‌های باب‌المندب و باب‌المحتب و دهها فاکتور دیگر، از توان لازم برای واکنش اقتصادی و سیاسی جهت فشار بر جهان غرب برخوردارند. همچنین دولت‌های یادشده می‌توانند با تهدید صهیونیست‌ها به قطع متاسبات دیپلماتیک و اقتصادی و تحمیل محاصره هوایی به این رژیم و معافت از پهلوگیری و عبور کشتی‌های صهیونیستی در بنادر و آبراه‌های متعلق به این دولت‌ها فشار کمپایلدهی را به دولت نتانیاهو وارد کنند در حیطه نظامی نیز با وجود برتری کیفی نیروی هوایی اسرائیل، تعداد جنگنده‌ها و توان رزم دولت‌های یادشده در برابر صهیونیست‌ها ۵ به یک است از همین رو، دولت‌های یادشده در هر حوزه‌ای از توان لازم برای تنبیه متجاوز و معافت از تکرار چنین رویه‌ای برخوردارند. گزینه دوم که مع‌الاسف با نگاه به مشی رژیم‌های عرب، احتمال تحقق آن بسیار بیشتر از گزینه اول است، به محکومیت لفظی اقدام تروریستی یادشده و درخواست از مجامع جهانی برای مهار اسرائیل اختصاص خواهد یافت. امری که به وضوح و با اشاره به دکترین جنگ‌افروزانه تل‌آویو از پیش شکست‌خورده تلقی شده و پیامدهای جبران‌ناپذیری را به ملل عربی- اسلامی تحمیل خواهد کرد.

درباره مهم‌ترین پیامدهای چنین سیاستی می‌توان مورد ذیل را برشمرد.

- تداوم حملات احتمالی رژیم صهیونیستی به قطر با هدف از میان بردن رهبران حماس و نقض حاکمیت دوحه

- نقض حاکمیت دیگر کشورهای اسلامی نظیر ترکیه، مصر، لیبی و اردن به بهانه حضور نیروهای حماس یا پشتیبانی دولت‌های یادشده از مقاومت فلسطین

- پیشبرد سیاست اشغال نوار غزه و کوچ اجباری ساکنان این باریکه به مصر و دیگر کشورهای اسلامی و نهایتا انضمام این منطقه به سرزمین اشغالی

- تشدید شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری توأمان با افشار مضاعف بر فلسطینی‌ها با هدف پیاده‌سازی برنامه انضمام این منطقه به سرزمین تشکیل اشغالی و کشیدن خط بطلان بر ایده کشور مستقل فلسطین

- تداوم سیاست جنگ‌افروزانه در منطقه با تشدید حملات به سوریه، لبنان، یمن و یافشاری بر حضور نظامیان صهیونیست در جنوب لبنان

- حمایت از جزیره‌طلبان کرد و دروزی در سوریه با هدف تجزیه سوریه، ایجاد منطقه حائل میان جولان اشغالی و سوریه و نهایتا انضمام بخش‌هایی از این کشور به سرزمین اشغالی با هدف رفع معضل عمق راهبردی این رژیم

- ادعای مالکیت بر متاطق همجوار با سرزمین اشغالی مطابق ادعاهای مطروحه در «عهد عتیق» و تلاش تملک بر صحرای سینای مصر و تسلط کامل بر رود اردن و سرزمین کنعان

- حمله نظامی به عراق با هدف رویارویی با حشدشعبی

- واداشتن دولت‌های عربی - اسلامی به پذیرش موجودیت این رژیم یا اتکا به سلاح

- و نهایتا گام نهادن در مسیر تثبیت ایدهای که نتانیاهو، کاتس، اسموتریچ و بن‌گویر اخیرا از آن نام بردهاند: حتشکیل اسرائیل بزرگ.

ابوالفضل ولایتی

اشاره

روایت رویداد قرن در ایران تا روزهای پر التهاب جهان

مروری بر مهمترین خبرهای جنجالی در ایران و جهان که طی روزهای گذشته حسابی پر سر و صدا شد و یا واکنش مردم ایران و جهان همراه بود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، روزهای پایانی شهریور تب و تابی شبیه آسفنده‌ها را دارد. همان‌قدر پررفت و آمد و معاقدر پرشورا گاهی برای خرید لباس‌های پاییزی و لوازم‌التحریرهای مدرسه و گاهی همان قدر پرعجله برای رفتن به سفر و از دست ندادن آخرین فرصت‌های تعطیلی. هفته‌های پایانی شهریور اما میان همه این هیاهوهای روزمره پر بود از اتفاقات و حوادث خیرساز که تا مدت‌ها نقل محافل مردم کوچه و بازار در دنیای مجازی و حقیقی بود. بعضی اوقات به رنگ ماه‌گرفتگی خونین چند روز پیش که عکس و تصاویر آن شبکه‌های اجتماعی را از جا برداشت و بعضی وقت‌های دیگر به قدر کشمکش‌های ادامه دار گروه‌های مختلف بر سر موتور سواری زنان شهر در خیابان. خبرهایی که یا همه خوبی و بدی‌اش از یک چیز حرف می‌زند اینکه دنیا یا همه سختی‌ها و تلخی‌هایش همچنان بر مدار زندگی می‌چرخد و ادامه دارد.

هر کسی دور ماند از اصل خویش... به روایت ترامپ

می‌گویند یا تمام شدن جنگ جهانی دوم وقتی شکل و شمایل ارتش آمریکا تغییر کرد. نیروی هوایی این کشور مستقل شد و از طرفی دیگر وزارت جنگ یا وزارت نیروی دریایی ادغام شد و وزارت دفاع نام گرفت. این نامگذاری با هدف کم‌رنگ کردن تصویر مهاجم بودن آمریکا در معادلات جهان صورت گرفت. اما در هفته‌ای که گذشت رئیس جمهور آمریکا یعنی دونالد ترامپ بعد از ۷۴ سال دوباره نام وزارت دفاع را تغییر و اسم وزارت جنگ را انتخاب کرد. خبری که بعد از اعلام آن یک قبال مدنی فلسطینی- آمریکایی دربارهاش این طور نوشت: از حق نگذریم؛ تغییر نام وزارت دفاع به وزارت جنگ در آمریکا، صادقانه‌ترین کاری‌ست که یک رئیس جمهور ایالات متحده در سال‌های اخیر انجام داده! حالا نوبت «نیروهای دفاعی اسرائیل» است که نام خود را به «نیروهای نسل‌کش و کودک‌کش اسرائیل» تغییر دهند.

حاشیه‌های ناتمام یک کنسرت

بعد از اینکه کنسرت ژانگ همایون شجریان در میدان آزادی با عنوان آماده و فراهم نبودن شرایط لغو شد و وزارت ارشاد را به خاطر این اقدام وادار به عذرخواهی کرد اما حواشی این اتفاق به همین ماجرا ختم نشد و نادره رضایی معاون خیرساز امور هنری وزارت ارشاد برکنار و وزیر ارشاد محمد مهدی احمدی را جایگزین او کرد. بد نیست بدانید که خبرهای کنسرتی بخش فرهنگ باز هم ادامه دار بود تاجایی که شهرداری اصفهان چند روز پیش اعلام کرد که به مناسبت ۱۷ ربیع‌الاول قصد برگزاری کنسرت رایگان را در شهر دارد ولی چیزی که حسابی حاشیه ساز شد دخل اولیه برگزاری کنسرت در وسط زاینده رود خشکیده بود. اتفاقی که با انتقاد تند مردم و فعالان محیط زیست همراه شد و خیلی‌ها این کار را سمبل یک بی‌رحمتی و یک آبروریزی بزرگ دانستند. در نهایت این اعتراضات نتیجه بخش بود و محل برگزاری به جای دیگر منتقل و خوشبختانه این کنسرت رایگان در اصفهان برگزار شد.

تاثیر بر جایگاه ایران در آسمان ایران

همه اتفاقات پر سر و صدای هفته اخیر فقط به حوادث انسانی ختم نشد بلکه حوادث طبیعی هم نقش مهمی در رویدادهای این هفته داشتند. تاجایی که همگی ما شاهد طولانی‌ترین خسوف قرن در ایران بودیم. طی این رویداد نجومی ماه به رنگ سرخ درآمد. این واقعه که با اسم ماه خونین شناخته می‌شد بعد از ۷ سال اتفاق افتاد که یکی از نادرترین و طولانی‌ترین ماه‌گرفتگی‌های قرن بود و در شبکه‌های اجتماعی با بازتاب‌های گسترده‌ای به همراه بود.

نایب قهرمانی تیم ملی در کافا

وقتی خبر حضور تیم ملی در کافا مطرح شد بسیاری از اصل حضور تیم ملی در رقابت‌های کم‌اهمیتی مثل کافا انتقاد کردند. اما بعد از بازی مقابل افغانستان، هند، گرفتن نتیجه تساوی برابر تاجیکستان و باخت جلوی ازبکستان در فینال خیلی‌ها به یک نتیجه مهم‌تر رسیدند و آن این بود که تیم ملی فوتبال ایران با سرمربیگری امیر قلعه‌نویی برای عرض اندام آیوه‌ندانه در جام جهانی پیش رو حالا حالاها کار و فاصله دارد، وگرنه با ادامه پیدا کردن این روند نمی‌شود به گرفتن نتیجه توسط تیم ملی در عرصه جهانی چندان امیدوار بود.

از بقیه دنیا چه خبر؟

یکی از مهم‌ترین خبرهای هفته گذشته وقتی رخ داد که هیئت مذاکره کننده اعضای جنبش حماس در دوحه در حال بررسی پیشنهاد آتش بس ترامپ مورد هجوم و بمباران رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. حمله‌ای که طبق ادعای خود صهیونیست‌ها با همکاری آمریکا اتفاق افتاد؛ با اینکه این عملیات ترور ناکام ماند ولی این چندمین بار است که امریکایی‌ها از پوشش مذاکره برای حمله نظامی و ترور استفاده می‌کنند از دیگر خبرهای دنیا موج اعتراضات مخالفان اردوغان: رئیس جمهور ترکیه در استانبول بود که کار را به قطع شدن شبکه‌های اجتماعی در این کشور کشاند و در آخر یکی دیگر از خبرهای پر سر و صدای این هفته ترور جارلی کرک مشاور نزدیک ترامپ و از حامیان اسرائیل بود که حین سخنرانی او اتفاق افتاد.

سابقه تاریخی هم وجود دارد که به رابطه میان رویدادهای آسمانی و زلزله‌ها اشاره کند؟

همزمانی‌های باستانی و تاریخی در ارتباط بین رویدادهای آسمانی و زلزله، ایده‌ای بسیار قدیمی است. به عنوان مثال، توسیدید، مورخ یونانی، که در قرن چهارم پیش از میلاد می‌زیست، به یک خورشید گرفتگی و زلزله‌ای اشاره کرد که یافصله دو روز از یکدیگر رخ دادند. این نوع مشاهدات روایی منجر به اعتقاد دیرینه به یک رابطه علی و معلولی شد که اغلب با تفاسیر آخرالزمانی یا ماورالطبیعه مرتبط بودهاند.

زلزله‌های بزرگی بودهاند که در زمـــان ماه کامل یا نو رخ داده باشند؟

زلزله و سونامی سوماترا در سال ۲۰۰۴ با بزرگای ۹.۱ در اقیانوس هند در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴، در جریان یک ماه کامل رخ داد. این رویداد اغلب به عنوان نمونه‌ای مدرن از یک زلزله بزرگ که در دوره‌ای از تنش جزر و مدی بالا رخ می‌دهد، ذکر می‌شود که در طول ماه‌های نو و کامل به حداکثر می‌رسد. زلزله توهوکو با بزرگای ۹.۰ در ۱۱ مارس ۲۰۱۱ سواحل ژاپن را لرزاند نیز در حوالی زمان ماه نو، دوره دیگری از افزایش تنش جزر و مدی، رخ داد.

شما بررسی‌ای در خصوص زلزله‌های ایران انجام داده‌اید؟

بررسی‌های من نشان می‌دهد که حدود ۷۵ درصد از زلزله‌های شدید با بزرگای بیش از ۶.۰ ایران در سده بیستم و اینجای سده بیست و یکم در حوالی اول و وسط ماه قمری رخ داده‌اند. برخی مطالعات علمی به دنبال همبستگی آماری بین زلزله‌های بزرگ و فازهای ماه بوده‌اند. یک مطالعه در سال ۲۰۱۶ در مجله Nature Geoscience نشان داد که احتمال وقوع زلزله‌های بسیار بزرگ (بازبرگای ۸.۲ و بالاتر) در دوره‌های تنش جزر و مدی بالا، که در طول ماه نو و کامل (و نیز اوایل در طول ماه گرفتگی) اتفاق می‌افتند، بیشتر است. این مطالعه نشان داد که اگرچه احتمال گسترش یک شکست کوچک در سنگ به یک گسیختگی با تنش جزر و مدی کمی افزایش می‌یابد، اما اثر کلی آن برای پیش‌بینی زلزله هنوز قابل اندازه‌گیری نیست.

مکث

آیا ماه‌گرفتگی عامل زلزله‌های بزرگ است؟

استاد زلزله‌شناسی می‌گوید: تغییر در کشش گرانشی در ماه‌گرفتگی مانند افزایش اندک نیروهای جزر و مدی در طول ماه کامل یا نو می‌تواند باعث تغییر شکل‌های جزئی در پوسته‌ی زمین شود، اما این فشار برای ایجاد یک فاجعه‌ی طبیعی بزرگ مانند آتشفشان یا زلزله بسیار ضعیف است. ماه‌گرفتگی‌ها به طور منظم - چندین بار در سال - اتفاق می‌افتند و سوئچ طبیعی نیز یک اتفاق مدلوم در زمین هستند با توجه به اینکه هر دو رویداد چقدر مکرر اتفاق می‌افتند، احتمالا ناپذیر است که گاهی اوقات همزمان شوند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، ماه‌گرفتگی همیشه یکی از پدیده‌های جذاب آسمانی بوده که توجه بسیاری را جلب می‌کند. اما آیا این رویداد می‌تواند باعث زلزله شود؟ در این گفت‌وگو، مهدی زارع، استاد زلزله‌شناسی، به بررسی دقیق رابطه احتمالی میان ماه‌گرفتگی و زمین‌لرزه‌ها می‌پردازد. خصوصا که ماه گرفتگی هفته گذشته حولتی و شایعاتی نیز در پی داشت.

زارع توضیح می‌دهد که گرچه تغییرات جزر و مدی در طول ماه‌گرفتگی می‌تواند تنش‌هایی را در زمین ایجاد کند، اما این فشارها به تنهایی برای وقوع زلزله‌های بزرگ کافی نیستند. با این حال، دیرخی مناطق حساس زمین‌ساختی، احتمال افزایش اندک در خطر زلزله وجود دارد. این گفت‌وگو نگاهی علمی و دقیق به این موضوع تاریخی و جذاب دارد.

ادامه این گفت‌وگو را اینجا بخوانید:

درباره اهمیت ماه‌گرفتگی و ارتباط آن با زلزله‌ها خصوصا به بهانه ماه‌گرفتگی اخیر توضیح دهید

اولین ماه‌گرفتگی کامل پس از هفت سال - از ۵ مرداد ۱۳۹۵ - در ایران در شامگاه ۱۶ شهریور ۱۴۰۴ بحث در مورد اهمیت ماه‌گرفتگی را برانگیخته است. ارتباط علی مستقیمی بین ماه‌گرفتگی و زلزله تاکنون اثبات نشده است. ماه‌گرفتگی‌ها مولد خاصی از ماه کامل و ماه نو هستند و همیشگی کمی بین تنش جزر و مدی در مراحل ماه‌گرفتگی و فعالیت لرزه‌ای وجود دارد، ولی تا کنون به اندازه کافی قوی نبوده تا برای پیش‌بینی زلزله استفاده شود.

ماه‌گرفتگی دقیقاً چگونه رخ می‌دهد؟

ماه‌گرفتگی در زمان ماه کامل رخ می‌دهد و زمین سایه‌ای بر روی ماه می‌اندازد. هم‌ترازی خورشید، زمین و ماه در ماه‌گرفتگی، مورد خاصی از یک هم‌ترازی کلی‌تر است که در هر دو فاز ماه نو و ماه کامل اتفاق می‌افتد. این هم‌ترازی که به عنوان syzygy شناخته می‌شود، باعث می‌شود نیروهای گرانشی خورشید و ماه با هم ترکیب شوند و منجر به جزر و مدهای قوی‌تر از حد متوسط به نام جزر و مد بهاری شود.

آیا این تغییرات گرانشی می‌توانند باعث زلزله شوند؟

تغییر در کشش گرانشی در ماه‌گرفتگی مانند افزایش اندک نیروهای جزر و مدی در طول ماه کامل یا نو می‌تواند باعث تغییر شکل‌های جزئی در پوسته زمین شود، اما این فشار برای ایجاد یک فاجعه طبیعی بزرگ مانند آتشفشان یا زلزله بسیار ضعیف است. ماه‌گرفتگی‌ها به طور منظم - چندین بار در سال - اتفاق می‌افتند و سوئچ طبیعی نیز یک اتفاق مدلوم در زمین هستند. با توجه به اینکه هر دو رویداد چقدر مکرر اتفاق می‌افتند، احتمالا ناپذیر است که گاهی اوقات همزمان شوند.

نیروهای گرانشی ماه و خورشید چه تاثیری بر زمین دارند؟

نیروهای گرانشی ماه و خورشید نه تنها در اقیانوس‌ها، بلکه در پوسته جامد زمین نیز باعث جزر و مد می‌شوند که به عنوان «جزر و مد زمین» شناخته می‌شود. حداکثر تنش جزر و مدی بر روی پوسته زمین زمانی رخ می‌دهد که خورشید، زمین و ماه در یک راستا قرار گیر